۲۵۲ - ای ادیب دبستان الهی دست و پری بگشا و آستینی بیفشان توجهی بنما و بال و پری باز کن پروازی آغاز نما و نغمه و آوازی از حنجر روحانی برآر و لحن حجازی و عراقی بخوان بلبل گویای این گلزار شو و هزار هزار آواز این لاله زار شمع روشن انجمن عالم شو و جوهر جامع حقیقت آدم رخی منور کن ذیلی مطهر بنما مشامی معطر کن و عقلی مصور ببین پردهء مستوری برانداز و چون گل رسوای کوچه و بازار شو و اگر نقابی جوئی چون نور دیده در نقاب زجاجی و پردهء شفاف صافی درآ مست و مخمور شو محو و مشهور گرد واله و شیدا شو سینهء سینا جو آفت منجمدان باش و فارس میدان گرد نجم بازغ شو و نور لامع گرد کاری کن که در ملکوت ابهی و افق اعلی با رخی روشن و جانی چون گلشن مشهور گردی و نشر نفحات قدس نمائی و حشر مجامع انس کنی و چون از مقر فنا بمکمن بقا توجه نمائی با سپاه و جنود و طبل و کوس و اعلام منشور و الویهء مشهور آهنگ ملکوت ابهی کنی